

## فرهنگ اصطلاحات سیاسی

مهدی هدایتی

فرهنگ اصطلاحات سیاسی  
انگلیسی، عربی، فارسی: تالیف جمال برکات  
ترجمه دکتر صادق آئینه وند. دکتر فیروز حریرچی  
مرکز نشر فرهنگ رجاء. چاپ اول ۱۳۶۸

در سالهای اخیر توجه به زبان عربی متداول یکی از عمده‌ترین نیازهای پژوهندگان و محققان و شمار می‌رود و هر اندازه که اهتمام به زبان عربی در دبیرستانها و دانشگاهها و موسسات تحقیقی و وزارتخانه‌های مختلف بیشتر می‌شود، به همان اندازه نیز کسانی که می‌خواهند در زبان عربی به تحقیق و تتبع و نویسندگی و ترجمه بپردازند افزون می‌شوند. از طرف دیگر گسترش روابط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با پاره‌ای از کشورهای عربی زبان ایجاب می‌کند که فرهنگهایی به عربی و فارسی و بالعکس در زمینه‌های ادبی و سیاسی و اقتصادی و دیگر شاخه‌های علوم تدوین گردد که این خود زبان فارسی را غنی‌تر و بارورتر می‌کند و از سوی دیگر نیاز پژوهندگان و مترجمان را هم در سطوح گوناگون برآورده می‌سازد. به همین منظور پس از تفحص فراوان در فرهنگهایی که به زبان عربی در زمینه اصطلاحات سیاسی تدوین شده بود کتاب «قاموس المصطلحات الدبلوماسية» تالیف جمال برکات را برای ترجمه انتخاب کردیم ... اصطلاحاتی که در این فرهنگ گردآوری شده است می‌تواند از جامعیت و دقت خاصی بهره داشته باشد. ما نیز برای آنکه نیازهای دانشجویان و پژوهندگان و دست‌اندرکاران امور سیاسی را در کشورهای عربی زبان، حتی انگلیسی زبان برآورده کنیم، نسبت به ترجمه این کتاب اقدام کردیم.

.... در انتخاب واژه‌های مناسب در برابر واژه‌های عربی به فرهنگهای معتبر انگلیسی - فارسی و عربی - فارسی و بالعکس خاصه فرهنگنامه‌های سیاسی مراجعه شده است ....

آنچه گذشت بخشهایی از مقدمه مترجمان محترم کتاب بود در زمینه اهمیت تهیه و تالیف و ترجمه فرهنگ اصطلاحات در رشته‌های گوناگون علمی به طور عام و در زمینه علوم سیاسی به طور خاص که ما نیز با آنان در این گفته‌ها همراهی و همداستانیم. راقم این سطور که پژوهنده‌ی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است به عنوان یکی از مصادیق مورد اشاره مترجمان محترم کتاب در پی برآوردن نیاز خویش به واژگان مصطلح فارسی در قلمرو علم سیاست به کتاب این دو استاد گرامی دانشگاه مراجعه داشت و امیدوار بود که با توجه به موقعیت علمی آنان به مرجعی مورد اتکا و اطمینان دست یافته است، اما دریغ که با شگفتی تمام از همان صفحات آغازین کتاب با چنان اشتباهاتی روبه‌رو شد که این امید به نوبدی انجامید. بسیاری از این اشتباهات اجتناب‌ناپذیر می‌بود اگر مترجمان محترم به مراجع معتبر رجوع می‌کردند، یا ترجمه خود را پیش از چاپ به آدمی آشنا به اصطلاحات علم سیاست

نشان می‌دادند. اشتباهات حیرت‌آور صفحات نخستین کتاب این نویسنده را به توفقی در سراسر کتاب واداشت و آنچه در زیر می‌آید حاصل همین توفیق شتابزده است. از نکات کلی که می‌توان بدان اشاره کرد این است که مترجمان همه جا شکل مصدری واژه‌ها را به صورت سوم شخص در آورده‌اند، مثل:

فرو می‌ریزد- شکست می‌خورد	= Collapse
یادآوری می‌کند- مجلس یادبودی برپا می‌کند	= Commemorate
اخاذی کرد- باج سبیل و حق السکوت گرفت	= Blackmail
بمباران می‌کند	= Bombard
با شدت حمله می‌کند- یورش می‌برد.	= Assail

عبارت‌های فارسی کتاب نیز اغلب ناقص و از نظر دستوری نادرست و برای فارسی‌زبانان بی‌معنا و نامفهوم است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- «کنگره امریکا (مجلس) شامل می‌شود مجلس سنا و مجلس نمایندگان» (ص ۴۵)

- «.... حد فاصلی برای فرق میان کنگره و کنفرانس وجود ندارد. ولی کلمه‌ای که در زمان حال بیشتر به کار

می‌رود ....» (ص ۴۵) [زمان حال به جای امروز به کار رفته است.]

- Packaged deal = معامله کامل یا برخی از آن. «ص ۵۳» [برخی از چه چیز]

- سیاست میز پینگ‌پنگ، بکار برده شده برای مسابقاتی که میان ایالات متحده و چین است «ص ۶۰»

[دیپلماسی پینگ‌پنگ اشاره است به نخستین تماس‌های میان امریکا و چین برای برقراری مناسبات سیاسی که با برگزاری یک دوره مسابقات پینگ‌پنگ میان دو کشور انجام گرفت.]

- key to the situation = کلید حل موضع‌گیری «ص ۱۰۴» [به جای راه حل وضعیت]

- Leverage = زیادی امکان تصرف «ص ۱۰۸»

- Loyalty = وفاداری داری «ص ۱۰۹»

- صنعت ملی شده را به منطقه مخصوص برمی‌گرداند «ص ۵۶» [به جای صنایع ملی شده را به بخش

خصوصی واگذار می‌کند.]

از این که بگذریم، غالب واژه‌ها نادرست معنی شده و نقش دستوری واژه‌ها مشخص نگردیده و هیچ مثالی برای توضیح واژه‌ای مبهم یا دشوار داده نشده است. در بسیاری از موارد مترجمان معنای لغوی واژه‌ها را به شکلی شکسته بسته تعریف کرده‌اند و از اصطلاح معادل آنها در زبان فارسی غافل بوده‌اند. مترجمان محترم که گویی از وجود فرهنگ‌های سیاسی موجود بی‌اطلاع بوده‌اند برای یافتن اصطلاحات معادل به فرهنگ‌های معمولی نیز مراجعه نکرده‌اند و بطور کلی بدون آشنایی فنی با اصول فرهنگ نگاری به «ترجمه» این فرهنگ سیاسی از زبان عربی پرداخته‌اند. آوردن تمامی موارد نادرست کتاب در استطاعت صفحات مجله و حوصله خوانندگان محترم نیست. بنابراین در اینجا تنها به ذکر برخی از موارد از باب مشت نمونه خروار می‌پردازیم. معادلهای پیشنهادی را داخل پرانتز آورده‌ام.

Adopt the agenda (تصویب دستور کار) دستور کار را می‌پذیرد

Advisory opinion (رأی یا نظر مشورتی) دفاع می‌کند، طرفداری می‌کند.

Multilateral agreement (قرارداد چند جانبه) قراردادی که دارای طرفهای متعدد است

(اجماع) موافقت عمومی	Consensus
(سلاحهای متعارف [غیر هسته‌یی]) اسلحه سنتی و رسمی	Conventional armaments
(هیأت سیاسی) هیأت دیپلوماسی	Diplomatic corps
(بحرانی، وخیم) قاطع	Crucial
(بن‌بست، تنگنا) شیوه و راه غیر قابل نفوذ - ظرف در بسته	Cul de-sac
(برقراری منع رفت و آمد، حکومت نظامی) منع رفت و آمد را تحمیل می‌کند.	Impose of curfew
(بازداشت، توقیف) رزرو کردن، حبس کردن	Custody
(ضرب‌العجل، فرجه) مهلت اخیر - آخرین مهلت	Deadline
(بن‌بست، بلا تکلیفی) شکست - ورطه	Deadlock
(کسب اطلاعات) اطلاعات را خلاصه می‌کند و پاسخ و جواب می‌خواهد	Debriefe
(شناسایی موقت) به رسمیت شناختن امر واقع و حقیقی	De facto recognition
(هیأت نمایندگان) هیأت، واگذار کردن، وکیل و نماینده نمودن	Delegation
(عوام فریب) هرج و مرج طلب سیاسی - آشوب طلب	Demagogue
(خصوصی کردن، به بخش خصوصی واگذار کردن) از صفت یا حقوق ملی محروم می‌کند - صنعت ملی شده را به منطقه مخصوص برمی‌گرداند.	Denationalize
(قراردادی را تکذیب کردن) معاهده‌ای را به پایان می‌رساند.	Denounce a treaty
(وابستگی، عدم استقلال) اعتماد - توکل - موقوف بودن بر تابعیت - اطمینان	Dependence
(اظهار تاسف کردن) زشت می‌شمارد - مستهجن به شمار می‌آورد.	Deplore
(مستقر کردن، استقرار نیرو) می‌گسترده، گسترش می‌دهد	Deploy/ Deployment
(تبعید کردن) دور می‌کند - به کوچ و مهاجرت وامی‌دارد.	Deport
(تنشج زدایی) هماهنگی - گشایش	Detente
(سیاست قایق توپدار، سیاست زور و تهدید) دیپلوماسی توپ یا زور یا مانور نیرو	Gunboat diplomacy
(بیماری مصلحتی) بیماری دیپلوماسی	Diplomatic illness
(رفع تمهد) قطع ارتباط	Disengagement
(تحریف شده) زشت جلوه داده شده	Distorted
(فشار سیاسی) فشار دیپلوماسی	Diplomatic drive
(اعطای لقب شوالیه) به مرتبه سوار نائل می‌شود	Dub
(متحرک، پویا) بفعالیت مستمر متمایز است، پرنشاط - دینامیکی	Dynamic
(توضیح و تشریح) وسیع میشود، وسعت می‌دهد	Elaborate
(نشانه، آرم) شعار، رمز، با علامت نشان می‌دهد	Emblem
(درگیر شدن) در ورطه می‌افکند، آشفته می‌کند	Embroid
(اجلاس اضطراری) دوره فوق‌العاده	Emergency session

(انحصاری، اختصاصی) مانع - انحصاری	Exclusive
(پایان دوره ماموزیت) سپری می شود، می میرد، نفس و آه می کشد	Expire
(اختیار تام) اسناد قابل تفویض	Full powers
(کشتار جمعی) محو و نابود کردن یک نژاد	Genocide
(ژئوپولیتیک، دانش مطالعه اثر عوامل طبیعی در مشی سیاسی کشورها)	Geopolitics
علم سیاست وابسته به استراتژی طبیعی وابسته بزمین	Geostrategy
(ژئواستراتژی، هدفهای دراز مدت هر کشور با توجه به عوامل طبیعی و جغرافیایی آن)	Geostrategy
(پلیس مخفی حکومت نازی در آلمان) پلیس سری آلمان	Gestapo
(حسن نیت) میل و احساس دوستانه - سرقتی - اعتماد به محل تجارت	Goodwill
(تولید ناخالص ملی) کل تولید ملی	(G.N.P.) Gross National Product
(موشک هدایت شونده) گلوله و خمپاره نشانه رفته	Guided missile
(گروگان) گرو	Hostage
(خط مستقیم تلفنی [مثلا میان مسکو و واشنگتن]) خط داغ - خط قرمز	Hot line
(میانجی، وساطت کننده) بطور میانه، بطور متوسط	Intermediary
(ازدحام، پارازیت روی امواج رادیویی) آشفتگی - بفرنج	Jamming
(آزادی اقتصادی) بگذار عمل کنند	Laisses-faire
(فضای حیاتی) زمینه حیاتی	Lebensraum
(گروه فشار، گروه ذینفوذ) تالار - کسب می کند تائید اعضای مجلس...	Lobby
(قتل عام) قربانگاه	Massacre
(مفز متفکر) عقل چاره ساز	Mastermind
(رسانه ها) وسایل	Media
(اصلاحات لازم انجام شده است) همراه با اعمال تعدیلات یا تغییرات ضروری	Mutatis mutandis
(مجمع ملی، مجلس ملی) جمعیت ملی - جمعیت وطنی	National assembly
(ناسیونالیسم، ملت گرایی) ملی - وطنی	Nationalism
(برجسته، مشهور) وجیه - چهره	Notable
(همتا، همرتبه، هم مقام) با طرحها و نقشه های برابر	Pari passu
(عنصر نامطلوب) شخص غیرمقبول	Persona non-grata
(اجلاس عمومی ملل متحد) دوره کامل یا عمومی سازمان ملل	Plenary Session of the U.N.
(نماینده تام الاختیار) نماینده منتخب - نماینده صاحب صلاحیت کامل	Pleni potentiary
(ابر قدرتها) نیروهای عظیم	Superpowers
(اساس بحث، صغری و کبری) فرض - فرض کردن	Premise
(حضور) وجود	Presence

Recognize	(به رسمیت شناختن [حکومتها]) اعتراف می‌کند - تسلیم می‌کند چیزی را...
Reconsider	(تجدید نظر) بار دیگر مراجعه می‌کند
Recrimination	(اتهام متقابل، طرح دعوی متقابل) ناسزا گویی - هذیان
Make reservations	(شرط یا قید قائل شدن) اظهار تقيه می‌کند...
Resolution	(قطعنامه) تصویب، تصمیم
Retrospect	(عطف بماسبق) نگاهی به گذشته - تأمل در گذشته
Rule out	(نامحتمل شمردن) به بندگی می‌کشد
Scapegoat	(بز طلیقه) کسی را قربانی دیگران کردن ....
Secret agent	(مامور مخفی) گزارشگر یا مزدور پنهانی
Sovereign	(حاکم، فرمانروا) شاه، آقا، سیادت و آقائی
Terms of surrender	(شرایط تسلیم) شرایط واگذاری
Vice	(معاون، جانشین) نماینده
Vital interests	(منافع حیاتی) مصالح حیاتی
Vocational training	(کارآموزی) آموزش و تمرین شغلی
EEC: European Economic Community	(جامعه اقتصادی اروپا) جمعیت اقتصادی اروپا
GATT: General Agreement on Tariffs and Trade.	(موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، گات) موافقت کلی در تعرفه‌ها و بازرگانی جات
GDR: German Democratic Republic	(جمهوری دموکراتیک آلمان) جمهوری دموکراسی آلمان
HC: House of Commons	(مجلس عوام) شورای عمومی
IBRD: International Bank for Reconstruction and Development	(بانک بین‌المللی عمران و توسعه) بانک بین‌المللی بنیاد و توسعه
ICH: International Court of Justice	(دیوان دادگستری بین‌المللی) دادگاه بین‌المللی
IRA: Irish Republican Army	(ارتش جمهوری خواه ایرلند) ارتش جمهوری ایرلند
LAS: League of Arab States	(جامعه عرب) سازمان کشورهای عربی
LDC(s): Less-Developed Countries	(کشورهای کمتر توسعه یافته) کشورهای توسعه یافته
RIIA: Royal Institute of International Affairs	(انستیتوی سلطنتی امور بین‌المللی) دانشسرای پادشاهی بین‌المللی